



نگرش سنجی از نخبگان در مورد نقش مؤثر فرهنگ ایرانی در شکل گیری تمدن جهانی

محمد رضا ساختمان گر^۱، مهرداد ناظری^۲

۱-دانشجو دکتری رشته تاریخ تطبیقی و تحلیلی هنر اسلامی

۲-عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام

چکیده

این مقاله به بررسی تبیین شاخص‌های مهم فرهنگ ایرانی که در تمدن جهانی مدنظر قرار گرفته است، می‌پردازد و نشان می‌دهد که ایران هرچند در دوره معاصر کمتر توانسته در تعاملات جهانی نقش پویایی ایفا کند؛ اما در طول تاریخ و بر اثر قدمت، داشتن تجربه تاریخی و تمدنی مؤثر خود، نقش مؤثری در سنتز تمدن جهانی داشته است. این مقاله با استفاده از روش گراندد تئوری (نظریه زمینه‌ای) نوشته شده و با استفاده از مصاحبه‌های عمقی با نخبگان و صاحب‌نظران، و در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و گزینشی انجام پذیرفته است و در نهایت، از دل شاخص‌ها یک مدل پارادایمی استخراج شده است. لازم به ذکر است؛ روش انتخاب و نمونه‌گیری این تحقیق نظری و هدفمند است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که هشت مقوله اصلی را شامل قدرت ایجاد فعالیت‌های اقتصادی، مدارا، هضم بیگانگان در فرهنگ خودی، توانایی ایجاد و حفظ عناصر فرهنگ خود، رشد و احیای تفکر دینی، تمرکز بخشی در مدیریت دانش، زیبایی‌شناسی، اولویت فرهنگی، قدرت تطبیق و تغییر با شرایط موجود جزو خصایص اصلی و اثرگذار ایران در جهان بوده است. این مقاله نشان می‌دهد که ایران جزو فرهنگ‌های هویت‌ساز در دنیا به حساب می‌آید و این موضوع غیرقابل انکار است.

واژگان کلیدی: فرهنگ، هویت، تمدن، ایران، جهانی



ایران کشوری اثرگذار در حوزه تمدنی و فرهنگ جهانی است؛ به طوری که نمی توان به سادگی از کنار نام آن گذر کرد. توانمندی درونی این فرهنگ، اثرات عمیقی را در طول تاریخ بر روی مردم جهان گذاشته است. از چند منظر می توان این فرهنگ و تمدن را مهم دانست؛ اول اینکه در آن منطقه جغرافیایی (خاورمیانه) به لحاظ استراتژیک همواره شرایطی پدید آمده که دولت های مقتدر بتوانند با استفاده از پتانسیل ها و ظرفیت های موجود شرایط اثرگذاری را به لحاظ اجتماعی، تاریخی و فرهنگی ایجاد کنند. مثلاً دولت کوروش کبیر توانسته یک هژمونی همگرا و تأثیرگذار را در این منطقه ایجاد کند. دوم آنکه ایرانی ها ملتی فرهنگی، معنوی و دارای خصایل اخلاقی هستند که به آنها ویژگی های متفاوتی بخشیده است. مثلاً فرهنگ مهمان نوازی در ایرانی ها دارای سابقه بسیار زیادی است. سوم آنکه در بسیاری از مصادیق تمدنی ایرانی ها نقش ابداع گری را ایفاء کردند و به نوعی در زمینه توسعه توانسته اند در تاریخ جزو اولین ها باشند. مثلاً اولین حکومت یکپارچه چندفرهنگی، اولین قانون جهان، اولین جاده های ارتباطی و سیستم های اتصالی (پست) را توانسته اند در کشور ایجاد کنند (ناظری، ۱۳۹۶: ۲۶). چهارم آنکه ایران از معدود کشورها در جهان است که در عین تنوع فرهنگی، دارای پیوستگی است. مثلاً زبان و گویش فارسی قرن ها است که تداوم داشته و زایل نشده است و حتی ارتباطات جهانی باعث تضعیف هویت و عناصر فرهنگ ایرانی نشده است (صدیقی، ۱۳۶۲: ۳۲).

از طرف دیگر، قدرت انعطاف پذیری و چرخشی که در فرهنگ ایرانی وجود دارد، باعث شده تا همواره نقش مؤثری در روابط بین الملل و سرنوشت سایر کشورها داشته باشد. ریچارد فرای^۱ ایران شناس معروف معتقد است: «زبان فارسی، هنرهای زیبا، علوم، فلسفه، باورها و اعتقادات بخشی از مشترکات فرهنگ ایرانی است که هزاران سال استمرار یافته اند» (Fry, 2000: 128-118).

اما نکته مهم در خصوص ایران، تأثیرگذاری پررنگ و قدرتمند آن در شکل دهی تمدن جهانی است. در واقع ایران توانسته در طول هزاران سال همواره نقش مهمی در سنتز دیالکتیکی شکل دهی هویت فرهنگی جهان داشته باشد. هرچند در سال های اخیر همواره از مدرنیته به عنوان یک فرهنگ یا قالب تمدنی قدرتمند سخن به میان می آید که بر همه عرصه ها اثرگذار بوده است؛ اما واقعیت این است که در مسیر تحول جهانی و حتی در شکل دهی هویت جهانی، نقش ایران بسیار گسترده بوده است. هنوز بعد از گذشت سال ها، همچنان مولانا، سعدی، حافظ، فارابی، بوعلی سینا و زکریای رازی؛ جزو رجال اثرگذار جهانی هستند که نمی توان از نقش آنها در شکل دهی هویت اخلاقی و معنوی جهان غافل شد (ناظری، ۱۳۹۴: ۴۵). نکته حائز اهمیت در قدرت فرهنگ ایران حفظ و تداوم حیات در برخی از شهرهایی است که هنوز به شکل ایرانی زنده است و رو به جلو حرکت می کند. شهر سمرقند علی رغم اینکه در فضایی مدرن محاصره شده است؛ اما مردم این شهر همچنان مدل ایرانیان باستان لباس

¹Richard Fry



می‌پوشند، آداب و رسوم ایرانی را حفظ کرده‌اند و بسیاری از آنها با لهجه تاجیکی صحبت می‌کنند. سمرقند که به دیرینگی شهرهای روم، آتن و بابل است، هنوز شهری عظیم به حساب می‌آید (مرادی، ۱۳۸۹: ۱۹۵).

این مثال نشان می‌دهد که هویت ایرانی همچنان دارای جنبه‌های اثرگذار و کارآمدی است که به سادگی در طول تاریخ فرسایش نیافته و همچنان باقی مانده است. بخارا و سمرقند شاید امروز به اندازه پاریس، نیویورک و لندن مهم نباشد؛ اما در جای خود اثرگذاری لازم را در تقابل با مدرنیته دارا است. این پژوهش به دنبال بررسی این موضوع است که با وجود تقابل‌های جدی فرهنگ ایرانی با مدرنیته و تضعیف آن در شکل و فرمی متفاوت پایداری خود را حفظ کرده و دارای تأثیراتی بر فرهنگ و تمدن جهانی است. در واقع مسأله اصلی این است که فرهنگ و تمدن ایرانی چه تأثیری در فرهنگ و تمدن جهانی گذاشته است و تا چه حد این اثر در دنیای مدرن شده امروزی باقی مانده است. برای پاسخ به این سؤالات با داشتن این فرض که فرهنگ ایرانی توانسته گذار تضعیف‌شدگی و بحران‌های تعارضی را از سر بگذراند، در حال حاضر دارای جایگاهی مشخصی است که باید به آن توجه کرد و نفوذ آن را در روند دیالکتیکی روند جهانی شدن جدی گرفت. در واقع هدف از این پژوهش این است که نشان دهد علی‌رغم قدرت مدرنیته، اثرگذاری تاریخی، هویتی و فرهنگی ایران وجود دارد و در صورت توجه به آن می‌تواند روزه‌روز تأثیرگذاری بیشتر بر «گفتمان جهانی شدن» داشته باشد. بنابراین، سؤال اصلی این تحقیق این است که «ایران چه اسلوبی در فرایند تحول، برای توسعه تمدن جهانی به ارمغان آورده است؟»

پیشینه تحقیق

در اینجا لازم است برای فهم بهتر این موضوع به پیشینه‌ی مطالعاتی این مسئله پرداخته شود.

قدیر گلکاریان (۲۰۱۹)، در مقاله‌ای با عنوان «جهانی‌شدن و تأثیر آن بر فرهنگ ایرانی» به بررسی مفهوم جهانی‌شدن می‌پردازد و بر این باور است که علیرغم گسترش پدیده جهانی‌شدن، فرهنگ ایرانی توانسته در برابر آن مقاومت کند؛ آن‌هم به دلیل باورهای مذهبی و وجود ایجاد یک فرهنگ یکپارچه در برابر تغییرات مقاومت کرده است.

یوسفی جویباری و محمدی‌فر (۱۳۹۰)، در مقاله‌ای با عنوان «فرهنگ و تمدن ایرانی و جهانی‌شدن؛ فرصت‌ها و چالش‌ها» به بررسی تأثیر پدیده جهانی‌شدن بر ایران می‌پردازند و معتقدند که ایران به دلیل ویژگی‌های تاریخی و جغرافیای خاص خود که آن را به نوعی در چهارراه فرهنگی و تمدنی جهان قرار داده است، همواره در طول تاریخ ارتباطات گسترده‌ای با ملل مختلف جهان داشته است که عمدتاً این امر متأثر از موقعیت استراتژیک و سوق‌الجیشی ایران بوده است که البته غربی‌ها همواره تلاش کردند که از این موقعیت در راستای منافع خود استفاده کنند. این دو محقق، در مقاله خود تأکید می‌کنند که کشور ایران به دلیل سابقه طولانی تاریخی و تمدنی از ظرفیت بسیار بالایی جهت تأثیرگذاری بر روندهای جهانی برخوردار بوده است. جنبه‌های فرهنگی، تمدنی ایران باعث شده که این فرهنگ بتواند در تاریخ پایدار و استوار باقی بماند.



زهرا احمدی و احسان لشگری و طهمورث حیدری (۱۳۸۹)، در مقاله‌ای با عنوان «جهانی‌شدن و هویت ایرانی» به این موضوع می‌پردازند که جهانی‌شدن اگرچه باعث تغییر و تحول زندگی بسیاری از انسان‌ها شده است؛ اما فرهنگ‌ها و هویت‌های ریشه‌دار مثل ایران هرگز اصالت ایرانی‌بودنشان مخدوش نشده است. این دو نویسنده معتقدند که هرچند دگرگونی‌هایی در لایه‌های سطحی فرهنگ و هویت ایرانی پدید آمده؛ اما هیچ‌گاه این تحولات نتوانسته به ژرفای هویت ایرانیان رسوخ پیدا کند. همچنین این فرهنگ و تمدن ایرانی با خدماتی که به گسترش میراث مشترک تمدن بشر مرتبط است، همراه با اقوام مختلف موجود در همسایگی خود، هویتی ویژه خود را پدید آوردند. نکته دیگر که این مقاله بر آن تأکید می‌کند این است که هویت ایرانی استعداد و ظرفیت استفاده از آموزه‌های جدید فرهنگی را دارد و می‌تواند ضمن حفظ شاکله‌های اصیل فرهنگی خود، فرهنگ‌های جدید را نیز در خود هضم کند.

حسین مفتخری (۱۳۹۲)، در مقاله‌ای با عنوان «ایران و اسلام؛ هویت ایرانی، میراث اسلامی» به بررسی این موضوع می‌پردازد که عناصر مؤلفه‌های اساسی فرهنگ و هویت ایرانی چیست؟ این مسئله را مطرح می‌کند که در ایران علی‌رغم چندگانگی فرهنگ‌ها نوعی وحدت درونی وجود داشته که باعث بقاء و حفظ آن شده است. از نظر نویسنده، یکی از موضوعات مهم که هویت ایران را شکل می‌دهد، وجود دین اسلام است. در این مقاله، محقق ضمن تشریح رابطه عنصر اسلامیت و ایرانیت از منظر تاریخی چگونگی آمیختگی فرهنگ اسلام و ایران را مورد بررسی قرار می‌دهد و تأکید می‌کند که برای شناخت تحولات تاریخ ایران، شناخت اسلام لازم و ضروری است.

محمد بنی‌سلیم (۱۳۸۷)، در مقاله‌ای با عنوان «جلوه‌های پیوستگی در تمدن و فرهنگ ایران» به مطالعه ویژگی‌های تمدن ایرانی پرداخته و تأکید می‌کند که سرزمینی که در دوران طولانی تاریخ خود، از یک سو در معرض نفوذ فرهنگ‌های مختلف دور و نزدیک بوده و از سویی دیگر، توانسته است بدون آنکه مقهور این فرهنگ‌ها شود؛ با گزینش و اقدام آنها در فرهنگ خود، ترکیبی منحصر به فرد ساخته است. از این رو با وجود گسست‌های سیاسی بزرگ تاریخ ایران، تمدن این سرزمین اهورایی هیچ‌گاه دچار ناپیوستگی بنیادی نشده است. تمدن و فرهنگ ایران باستانی در تکوین هویت ایران اسلامی نقش مهمی داشته و میراث اسلامی ایران هم جزو جدانشدنی هر ترکیب تمدنی جدیدی است که در این سرزمین به منصفه ظهور رسیده است. این محقق تأکید می‌کند که ایرانیان در طلب و کسب معارف اقوام دیگر و اقتباس از آنها همیشه نقشی فعال داشته‌اند؛ حتی در زمانی که هیچ فشار خارجی، ایرانیان را به این کار وادار نمی‌کرده است؛ بنابراین به جرأت می‌توان گفت که تکوین و شکل‌گیری تمدن ایران، مرهون گفت‌وگوی میان تمدن‌ها بوده است.

عبدالحمید نیرنوری (۱۳۷۹)، در کتاب «سهم ایران در تمدن جهانی» به این موضوع می‌پردازد که تمدنی که ما امروز وارث آن هستیم، حاصل هزاران سال کار و کوشش ملل و اقوام مختلفی است که هر یک برای مدت کوتاه و درازی مسئولیت به‌دوش کشیدن مشعل تمدن را برعهده داشته و این مشعل را به اقوام دیگر سپرده‌اند. در هر دوره چنین اتفاق افتاده که مشعل‌داران



تمدن بیش از یک قوم یا ملت بوده‌اند و همین وجود تضاد فکری اقوام مختلف و اختلاف در نحوه‌ی دید آنها نتیجه بزرگی برای جهان داشته است. در این میان نیز تمدن ایرانی نقش بسیار پررنگی در شکل‌گیری تمدن جهانی داشته است. ایرانیان از نظر نویسنده، همواره کنجکاو، مترقی و پیشرفت‌خواه بوده‌اند؛ البته موقعیت جغرافیایی نیز در این مسئله نقش داشته است. ایرانیان در اهلی کردن حیوانات، ترویج نباتات مفید و گل‌های روح‌پرور و میوه‌های لذیذ، ایجاد صنعت سفال‌سازی و سرامیک، بافندگی و ریسندگی، قالی‌بافی و رنگرزی، صنعت ذوب فلزات، میناکاری، زرگری، اکتشاف مواد ساختمانی مهم از قبیل آجر، ساروج، گچ، آهک، ساختن چرخ و ارابه و در بسیاری از امور دیگر پیش قدم بوده‌اند. ایرانیان همچنین در زمینه ادبیات، شعر نیز توانسته‌اند نقش پررنگی ایفاء کنند. از نظر این نویسنده، سهم ایران در فرهنگ کلاسیک اگرچه به‌طور کامل و دقیق تعیین نشده؛ اما نفوذ آن قطعی و بسیار پررنگ است. مطالعه در پیشینه این تحقیق نشان می‌دهد که پژوهشی با رویکرد مصاحبه‌های ژرفانگر و با حضور در میدان تحقیق و به‌صورت کیفی تاکنون صورت نگرفته و این مقاله در نوع خود اولین پژوهش در این زمینه و با این سبک محسوب می‌شود.

مدل نظری

با توجه به روش گراند تئوری، در این پژوهش از نظرات گوناگونی استفاده شده است. یکی از این نظرات، نظر لستر پیرسون^۲ است که به تعامل فرهنگ‌ها توجه دارد. او معتقد است تمدن‌ها باید یاد بگیرند که چگونه در کنار هم صلح‌آمیز زندگی کنند. از تجربه‌های یکدیگر پند بگیرند و تاریخ و اندیشه و تفکر همدیگر را بیاموزند و به غنای زندگی خود بیافزایند. اگر جز این باشد، در دنیای شلوغ و کوچک، شاهد چیزی جز سوء تفاهم، تنش و برخورد و فاصله نخواهیم بود (هانتینگتون، ۱۳۷۸: ۵۱۶). نظر دیگر در این خصوص مفهوم ارتباطات است. در واقع ارتباطات است که تعامل بین فرهنگ‌ها را معنا می‌بخشد که در اینجا از نظر دو نفر استفاده شده است؛ از دیدگاه کارل دویچ^۳، جامعه اصولاً یک نظام ارتباطی است، ارتباطات شکل‌دهنده و هویت‌بخش جوامع انسانی است و در حقیقت، ارتباطات و شیوه‌های ارتباط میان افراد انسانی است که هویت یک جامعه را شکل می‌دهد. به‌همین منوال، جان تاپسون نیز معتقد بود که ارتباطات نظام تبادل بین شبکه‌هایی از معانی پدید آمده در جوامع مختلف است. او فرهنگ را معانی پدید آمده در قالب اشکال نمادین در یک جامعه می‌داند و ارتباطات از دیدگاه او نحوه انتقال این معانی بیان تولیدکنندگان و دریافت‌کنندگان این معانی است (گیوریان و ذاکری، ۱۳۹۲). همچنین از نظر سیدحسین نصر که یکی از چهره‌های برجسته سنت‌گرایی در جهان است، در این تحقیق استفاده شده است. او در مقاله‌ای در خصوص سنت می‌گوید: «سنت نوعی جهان‌بینی و مجموعه‌ای از آموزه‌ها است که به‌صورت طولی به طرف ذات نامتناهی گشوده شده

² Lester B. Pearson

³ Karl Deutsch



است.» از نظر نصر، پاسخ به پایان بحران معنویت به ویژه در قالب هنر از طریق بازگشت جوامعی همچون ایران امکان پذیر است (رحمتی، ۱۳۹۴: ۱۶۷).

روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش نظریه زمینه‌ای «گراندد تئوری» است و مبتنی بر مصاحبه‌های عمقی با صاحب‌نظران و روشنفکران در پاسخ به سؤال اصلی تحقیق است. علت انتخاب روش نظریه زمینه‌ای در این تحقیق را می‌توان در قدرت نظریه زمینه‌ای در شکل‌گیری یک تئوری دانست که این مقاله در پی آن است. به‌طور کلی ویژگی‌های نظریه زمینه‌ای را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

- ۱- توانایی تشخیص گرایش به سوگیری در خود
- ۲- توانایی تفکر انتزاعی
- ۳- توانایی منعطف‌بودن و پذیرش انتقاد مفید
- ۴- حساسیت نسبت به کلام و اعمال پاسخگویان
- ۵- توانایی گام‌نهادن به عقب و موقعیت را به‌صورت انتقادی تحلیل کردن
- ۶- مجذوب کار شدن و اخلاص (استراوس و کربین، ۱۳۹۲: ۲۹). نظریه زمینه‌ای نشان‌دهنده انجام تحقیق با روش کیفی است. این روش، طیفی از عناصر اساسی را شناسایی می‌کند که با ترکیب آن، چهارچوبی تلفیقی را به‌وجود می‌آورد که در آن داده‌های به‌دست آمده، جمع‌آوری، ارزیابی و متعاقباً در توسعه نظریه، براساس آنچه مشاهده و مصاحبه شده است، به کار گرفته می‌شود. در این روش، داده‌ها کدگذاری، طبقه‌بندی، تجزیه و تحلیل همزمان با به‌دست آمدن داده‌ها انجام می‌گیرد، نیز یادداشت‌برداری، نمونه‌برداری نظری، تجزیه و تحلیل مقایسه‌ای مداوم با استفاده از منطق استقرایی، توجه به حساسیت نظری، انجام می‌پذیرد (Rosenbaum & Elizabeth, 2016).

بنابراین با توجه به ویژگی‌های نظریه زمینه‌ای می‌توان با اتکا به آن، انعطاف‌پذیری و حساسیت نسبت به پاسخگویی و توانایی تجزیه و تحلیل و تفسیر موضوع را از زاویه‌ای متفاوت تجربه کرد. براین مبنا در این تحقیق، این روش با دلایل زیر انتخاب شده است:

- ۱- مطالعه در زمینه شناخت تمدن ایرانی و تأثیرگذاری آن در روندهای جهانی موضوعی پیچیده و لایه‌لایه است که فهم آن نیاز به عمق کاوی و مطالعه عمیق را دارد. با توجه به این موضوع، محقق می‌تواند با سؤال‌های عمقی از صاحب‌نظران دیدگاه‌های متفاوت و نوآورانه‌ای از مسئله به‌دست آورد که با این روش امکان‌پذیر است.



۲- با توجه به اینکه در روش گراندد تئوری (Grounded Theory) حساسیت نظریه‌ای (Theoretical sensitivity) از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ به عبارتی، آنچه مهم است جمع‌آوری اطلاعات، طرح سؤال و اندیشیدن درباره موضوع بر مبنای مفاهیم حساس است. بر این مبنای در این تحقیق تلاش شده تا با مصاحبه با نخبگان مقوله‌های اصلی و مبتنی بر حساسیت، نظریه‌ای شکل گیرد تا محقق بتواند از دل آن به یک تئوری جدید در زمینه موضوع دست یابد. لذا این یک فرصت استثنایی برای پاسخگویی به سؤال اصلی این تحقیق خواهد بود. لازم به ذکر است که در این مقاله، از روش کدگذاری باز، محوری، گزینشی و در نهایت ارائه مدل پارادایمی استفاده شده است. لازم به ذکر است در این تحقیق با ۱۰ نفر از نخبگان مصاحبه‌های عمقی صورت گرفته و در رفت و برگشت با آن‌ها داده‌های اصلی تولید شده است. روش انتخاب نخبگان در این پژوهش، براساس روش نمونه‌گیری نظری و هدفمند صورت گرفته است و در نهایت، از دل مصاحبه‌ها، یک مدل پارادایمی استخراج شده است.

یافته‌های تحقیق

در این پژوهش، منبع اصلی تولید داده‌ها مصاحبه‌های عمقی با نخبگان فکری بوده است که این مصاحبه‌ها به مرور به مفهوم و مفاهیم به مقوله‌های فرعی و اصلی مبدل شده و با کدگذاری باز و محوری و گزینشی به مدلی رسیده که در انتهای تحقیق آمده است. در این قسمت نشان داده می‌شود که پس از تحلیل داده‌های خام در نهایت هشت مقوله اصلی حاصل شده که به‌نوعی می‌توان گفت شاکله اصلی مدنظر در سؤال اصلی تحقیق است. این مقوله‌ها نشان می‌دهد که هر یک در شکل‌گیری تمدن ایرانی و اثرگذاری آن در فرهنگ جهانی تأثیرگذار بوده است.

مقوله اول: قدرت ایجاد فعالیت‌های اقتصادی

نکته حائز اهمیت در این پژوهش این است که در اکثر مصاحبه‌ها صاحب‌نظران بر این موضوع تأکید داشتند که ایرانیان همواره به فعالیت‌های اقتصادی توجه داشته‌اند و به‌نوعی فرهنگ اقتصادی خاصی را با مبانی اخلاقی خود ایجاد کرده‌اند. به گونه‌ای که نمی‌توان آن را نادیده گرفت؛ مثلاً کد شماره ۱ معتقد است: «ایرانیان همواره در امور اقتصادی پیشرو بوده‌اند و با ایجاد فعالیت‌های اقتصادی سعی می‌کردند قدرت خرید مردم را بالا نگه دارند». کد شماره ۳ می‌گوید: «ایرانیان در عصر باستان کارگاه‌های شاهی را ایجاد کرده بودند که به بهترین نحو آنها را مدیریت می‌کردند». کد شماره ۴ می‌گوید: «برخی از شاهان مقتدر ایرانی تدبیر مدیریت اقتصادی داشتند». کد شماره ۵ تأکید بر «مفهوم برابری اقتصادی در ایران می‌کند و می‌گوید در هیچ‌یک از دوره‌های عصر باستان اختلاف دستمزد جدی بین مردم دیده نمی‌شد». کد شماره ۷ با نگاهی به داریوش و کوروش و اثرگذاری جهانی آنها می‌گوید: «داریوش و کوروش پایه اقتصادی سالم و بدون فساد و شفاف را در جهان پی‌ریزی کردند».



کد شماره ۶ در خصوص نحوه اداره اقتصاد در عصر باستان می گوید: «دولت های عصر باستان با ایجاد ساتراپ ها و فرمانروایان مستقل، اقتصاد را به شیوه فدرالی اداره می کردند؛ شیوه ای که امروز در برخی از کشورهای پیشرفته پیاده می شود».

جدول شماره یک: قدرت ایجاد فعالیت های اقتصادی

مفاهیم	مقوله فرعی	مقوله اصلی
<p>پیشرو بودن در اقتصاد</p> <p>بالانگه داشتن قدرت خرید مردم</p> <p>مدیریت مؤثر کارگاه های شاهی</p> <p>تدبیر و مدیریت اقتصادی</p> <p>توازن در پرداخت دستمزدها</p> <p>فدرالی بودن اقتصاد</p> <p>اقتصاد سالم</p> <p>عدم وجود برده داری</p> <p>شکوه اقتصادی</p> <p>تفکر کار آفرینانه</p> <p>تفکر نو</p>	<p>توسعه اقتصادی</p> <p>توسعه اقتصاد از پایین به بالا</p> <p>مردم گرایی در اقتصاد</p> <p>حذف سیستم طبقاتی</p>	<p>قدرت ایجاد فعالیت های اقتصادی</p>

مقوله دوم: مدارا

یکی از موضوعات مهم که در مصاحبه ها بر آن تأکید و به نوعی به شکل گیری مقوله اصلی منجر شد، مفهوم مدارا است. مدارا یک مفهوم کیفی و ارزشی است که به نوعی می توان آن را در فرهنگ مدنی و دموکراسی امروز آن را پیدا کرد؛ اما به زعم نخبگان؛ این مفهوم در فرهنگ ایرانی ریشه داشته است و بر تمدن جهان تأثیرگذار بوده است. کد شماره ۱ معتقد است: «فرهنگ هم زیستی مسالمت آمیز در ایران همواره وجود داشته است». کد شماره ۲ می گوید: «وقتی کوروش اولین قاعده های حقوق بشر را نوشت، او راهی برای همگرایی بین افراد ایجاد کرد». کد شماره ۱۰ معتقد است: «ایرانی ها در تاریخ حتی دوستی ها را در خدمت کردن به دشمنان هم به کار بردند. بر این مبنا فرهنگ ایرانی را می توان فرهنگ مهر و دوستی نامید». کد شماره ۳ می گوید: «ایرانیان به طور کلی ملتی خویشتن دار بوده اند و در اکثر مواقع به خاک شان حمله شده است تا کمتر آنها به کشورهای



دیگر حمله کرده‌اند». کد شماره ۴ معتقد است: «در ایران همواره تنوع قومی و فرهنگی وجود داشته و این اقوام مختلف توانسته‌اند به شیوه مسالمت‌آمیز در کنار هم زندگی کنند».

جدول شماره دو: مدارا

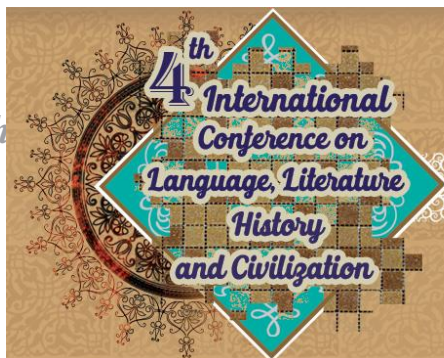
مفاهیم	مقوله فرعی	مقوله اصلی
همزیستی مسالمت‌آمیز همگرایی خویشترداری کنار هم زیستن حقوق اقلیت‌ها انصاف گفت‌و‌گو مهر و دوستی خدمت به دشمنان	روحیه تساهل و تسامح دوست‌داشتن و دوست‌داشته‌شدن توجه به حقوق ویژه همه مردم تعامل و روحیه همگرایی	مدارا

مقوله سوم: هضم بیگانگان در فرهنگ خودی

یکی از نکاتی که در مصاحبه با نخبگان بر آن تأکید شد این اصل بود که ایرانیان در طول تاریخ توانسته‌اند دشمنان خود را به دوستان و به بخشی از فرهنگ خودی مبدل سازند. صاحب‌نظران بر این دیدگاه تأکید داشتند که روحیه هضم در فرهنگ خودی یک ویژگی منحصر به فرد فرهنگ ایرانی به حساب می‌آید. در این خصوص کد شماره ۱ می‌گوید: «ایرانیان همواره تلاش کردند تا دیگران را شبیه خود سازند و خود کمتر شبیه دیگران شده‌اند». کد شماره ۲ معتقد است: «پیوستگی عمیقی بین ارزش‌های ایرانی و شکل‌دهی هویت جهانی وجود دارد». کد شماره ۳ می‌گوید: «از مشخصه‌های بارز فرهنگ ایرانی همگرایی بین ملیت و مذهب است». کد شماره ۷ می‌گوید: «خرد ایرانی از جنس خرد همگرایی و اتصال است».

جدول شماره سه: هضم بیگانگان در فرهنگ خودی

مفاهیم	مقوله فرعی	مقوله اصلی
شبه‌سازی	سیستم پذیرنده فعال	هضم بیگانگان در فرهنگ خودی



Holding time: September 15, 2020

Tbilisi - Georgia

	<p>ترکیب مناسب از عناصر متضاد دیالکتیک همگرایی بین اجزاء متناظر وحدت در عین کثرت</p>	<p>پیوستگی عمیق همگرایی بین ملت‌ها محیط متشکل از فرهنگ‌های مختلف جذب کردن عرفان و پذیرش خرد همگرایی صلح‌گرایی وصل کردن دیالکتیک تعصب و پذیرش</p>
--	--	--

مقاله چهارم: توانایی ایجاد و حفظ عناصر فرهنگ خود

یکی از اصولی که اکثر صاحب‌نظران بر آن تأکید داشتند توجه به اسلوب استواری در فرهنگ خودی بوده است. ایرانیان همواره تلاش کرده‌اند تا فرهنگ خود را در سخت‌ترین شرایط حفظ کنند. کد شماره ۱ معتقد است: «فرهنگ ایران به دلیل قدرتمند بودن و خردگرایی عمیقی که دارد، همواره باقی می‌ماند». کد شماره ۲ معتقد است: «در فرهنگ ایران همواره به حفظ هویت ملی تأکید شده؛ براین مبنا افرادی مثل فردوسی و رودکی نقش پررنگی در احیاء و تداوم فرهنگی ایران داشته‌اند». کد شماره ۶ معتقد است: «معماری ایران از عناصر اصلی حفظ و بقای فرهنگ این جامعه بوده است». کد شماره ۵ می‌گوید: «ایرانی‌ها با هنرهای تجسمی خود توانسته‌اند بقا و قدرت را در خود ایجاد کنند». کد شماره ۷ معتقد است: «حس ملی‌گرایی عامل اساسی دوام فرهنگ ایرانی در طی قرون متمادی بوده است».

جدول شماره ۴- توانایی ایجاد و حفظ عناصر فرهنگ خود

مفاهیم	مقاله فرعی	مقاله اصلی
خردگرایی حفظ هویت ملی معماری ایرانی هنرهای تجسمی حس ملی‌گرایی	فرهنگ‌های متکثر تنوع عقاید و پازل‌های بهم‌چسبیده عناصر غیرهم‌شکل همگون انسجام درونی فرهنگی	توانایی ایجاد و حفظ عناصر فرهنگ خود





COMSTech Inter-Islamic Network on Virtual Universities
Avicenna International Community College LLC

Holding time: September 15, 2020
Tbilisi - Georgia

		زبان فارسی جاودانگی روح ایرانی نظام اعتقادی شیعه
--	--	---

مقاله پنجم: رشد و احیای تفکر دینی

یکی از نکاتی که نخبگان بر آن صحه گذاشتند، توجه و ارزش گذاری بر دین بود که به نوعی در تکرار مقوله‌ها به یک نقطه مشترک رسید. کد شماره ۱ می‌گوید: «ایرانی‌ها دیندارترین ملت جهان هستند». کد شماره ۲ می‌گوید: «ایرانی‌ها همواره دین را در برابر تعصب رشد داده‌اند». کد شماره ۷ می‌گوید: «فرهنگ عاشورا و روحیه ایثارگرایی محصول اندیشه ایران است». کد شماره ۸ می‌گوید: «در فرهنگ ایرانی انتظار موعود یک مسئله مهم است؛ به طوری که امروز در جهان هم این مسئله اهمیت پیدا کرده است». کد شماره ۱۰ معتقد است: «مکتب ایرانی که جزو پنج مکتب شکل دهنده هنر اسلامی است، در گستره این هنر تأثیرگذار بوده است چرا که توانسته عناصر فرهنگ کهن ایرانی را با عناصر اسلامی ممزوج و آن را به یک سبک مستقل بدل نماید».

جدول شماره ۵- رشد و احیای تفکر دینی

مقاله اصلی	مقاله فرعی	مفاهیم
رشد و احیای تفکر دینی	فرهنگ تسلیم و پذیرش حفظ ارزش‌های دینی توجه به تجربه‌های دینی اولویت بخشی به اسلوب‌های مورد پذیرش در دین ترکیب عناصر هنر ایرانی با اسلوب‌های اسلامی	ملت دین مدار دین در برابر تعصب فرهنگ عاشورا انتظار موعود جهاد درون دین و اعتقادات نمادهای مذهبی معرفت دینی ایمان دینی مکتب ایرانی



مقوله ششم: تمرکز بخشی در مدیریت دانش

یکی از نقاط قوت ایرانی‌ها به‌زعم نخبگان این است که آنها توانسته‌اند در طول تاریخ پرفرازونشیب خود راه رشد علمی را طی کنند؛ به‌گونه‌ای که می‌توان در این باره با صراحت اعلام کرد که ایرانی‌ها نقش پررنگی در بسترسازی رشد علم در دوره جدید داشته‌اند. در واقع در دورانی که در ایران تمدن ایرانی در اوج بوده است، رشد علم یک محور اصلی به حساب می‌آمده. در این خصوص کد شماره ۱ می‌گوید: «در ایران همواره دانشمندی حضور داشته‌اند که چراغ علم را روشن نگه دارند. او از نقش بوعلی سینا، فارابی، زکریای رازی و مولانا در شکل‌دهی ذهن علمی ایرانی یاد می‌کند». کد شماره ۳ می‌گوید: «در ایران همواره بسیاری از حاکمان از دانشمندان حمایت کردند. بر همین مبنا شکوه علمی تمدن ایرانی در طول تاریخ شکل گرفته است».

جدول شماره شش: تمرکز بخشی در مدیریت دانش

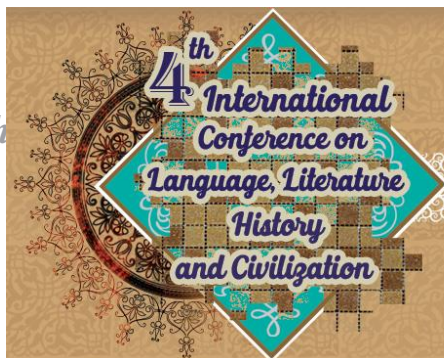
مفاهیم	مقوله فرعی	مقوله اصلی
روشن‌نگه داشتن چراغ علم حمایت حاکمان از عالمان ایجاد بزرگ‌ترین مراکز علمی گسترش و احیای زبان عربی	بالندگی علمی ایرانیان گسترش، احیاء، تولید و ایجاد گفتمان‌های علمی تقویت معرفت‌های علمی در جهان	تمرکز بخشی در مدیریت دانش

مقوله هفتم: زیبایی‌شناسی، اولویت فرهنگی

یکی از نکات که در فرهنگ ایرانی به‌شکل غیرملموس و در قالبی غیرمشخص بروز و ظهور کرده، توجه به عناصر زیبایی و زیباشناسی است. در واقع بعد معنوی زیبایی‌شناسی نکته‌ای است که ایرانیان در ساختار تمدن جهانی نقش پررنگی در گسترش آن ایفا کردند. بر این مبنا کد شماره ۱ می‌گوید: «در فرهنگ ایرانی همواره بر تناسب و تجانس تأکید شده؛ به‌خصوص در معماری». کد شماره ۲ می‌گوید: «ایرانی‌ها نوعی نظم خاص خود را در فرهنگشان ایجاد کردند که چشم‌نواز است». کد شماره ۷ می‌گوید: «هماهنگی عنصر اساسی تعامل بین فکر و ذهن و احساس ایرانی‌ها در طول تاریخ بوده است».

جدول شماره هفت: زیبایی‌شناسی، اولویت فرهنگی

مفاهیم	مقوله فرعی	مقوله اصلی



Holding time: September 15, 2020

Tbilisi - Georgia




زیبایی شناسی اولویت فرهنگی	زیبایی درون زیبایی در هماهنگی تعادل و موزون بودن همگرایی بین اجزاء	تناسب و تجانس نظم خاص هماهنگی فکر و ذهن و احساس آب نماد پاکی تزئین ترانه سرایی و شادابی کمال گرایی پرتوی از نور الهی
----------------------------	---	---

مقوله هشتم: قدرت تطبیق و تغییر با شرایط موجود

یکی از مقوله‌هایی که به مرور و در روند مصاحبه‌ها و با تأکید بر حساسیت نظری شکل گرفت، مقوله قدرت تطبیق و تغییر با شرایط موجود بود. نخبگان در این تحقیق بر این موضوع تأکید کردند که ایرانی‌ها توانایی عجیبی در پذیرش وضع موجود دارند. کد شماره ۲ می‌گوید: «ایرانی‌ها می‌توانند به سرعت از وضع عادی به وضع بحرانی رفته و دوباره از وضع بحرانی به وضع عادی برگردند». کد شماره ۷ می‌گوید: «ایرانی‌ها ملتی صبور و متمدن هستند که برای رسیدن به موفقیت ایستادگی می‌کنند». کد شماره ۵ می‌گوید: «ایرانی‌ها همواره با تساهل و تسامح به پیروزی‌های بزرگ رسیدند. غلبه بر مغول‌ها و اعراب دو نمونه آن است».

جدول شماره هشت: قدرت تطبیق و تغییر با شرایط موجود

مقوله اصلی	مقوله فرعی	مفاهیم
قدرت تطبیق و تغییر با شرایط موجود	سواد فرهنگی اخلاق مدارا و همزیستی مسالمت‌آمیز قدرت تطبیق و تغییر	پذیرش وضع موجود تحمل سختی‌ها ملتی صبور و متمدن صبر و ایستادگی تساهل و تسامح متعادل‌سازی انسان‌ها پذیرش تفاوت‌ها

COMSTECH Inter-Islamic Network on Virtual Universities
Avicenna International Community College LLC

Holding time: September 15, 2020
Tbilisi - Georgia

		روایت جدید از زندگی
--	--	---------------------

نتیجه گیری

بر اساس آنچه در روند مصاحبه‌ها به دست آمد، نشان می‌دهد که فرهنگ ایرانی از قدرت درونی برخوردار است که توانسته بر روندهای ذهنی و فکری و فرهنگی جهان تأثیر گذار باشد. در واقع آنچه که به شکل یک مقوله چرخشی و مداوم در کلیه مصاحبه‌ها به چشم می‌خورد این است که بین سه مؤلفه فرهنگ ایرانی، فرهنگ اسلامی و فرهنگ مدرن یک دیالکتیک سه‌وجهی در حال ایجاد است؛ به گونه‌ای که هر یک از این سه بخش می‌توانند بر روی یکدیگر تأثیر گذار باشند و نقش پررنگی را در شکل‌دهی هویت فرهنگی ایفاء کنند. به عبارتی، سنتزی از ایرانی-اسلامی-مدرنیته در جامعه ایرانی شکل گرفته و این قالب را در روند تحولات جهانی به نوعی جای داده است. بر این مبنا نمی‌شود هویت ملی را در ایران یک هویت یک‌وجهی یا صرفاً مبتنی بر مقوله‌های قومیتی ایرانی دانست؛ بلکه در آن وجوه متعددی از ایرانیت، اسلامیت و مدرنیته به چشم می‌خورد. بر این مبنا می‌توان علل استواری و ماندگاری فرهنگ ایرانی را در موارد زیر خلاصه کرد:

۱- ایران توانسته با استفاده از دیالکتیک سه‌وجهی یک هژمونی توانمند فرهنگی را ایجاد و به گونه‌ای از طریق آن بر روند تمدن جهانی تأثیر گذار باشد. بر این مبنا نمی‌توان این تأثیر را در هیچ زمانی و با هیچ طریقی نادیده گرفت.

۲- همان‌طور که در قسمت قبل مشاهده شد بخشی از ایجاد این توانمندی در اثر نیروی درونی این فرهنگ در طول تاریخ به دست آمده؛ به طوری که حتی با ورود مدرنیته به ایران، اسلوب‌های اصلی این فرهنگ از بین نرفته و نقش خود را ایفاء می‌کنند؛ مثلاً گسترش پدیده عید نوروز، جشن یلدا و ... بخشی از اسلوب‌هایی است که در این فرهنگ وجود دارد و تأثیر گذار است.

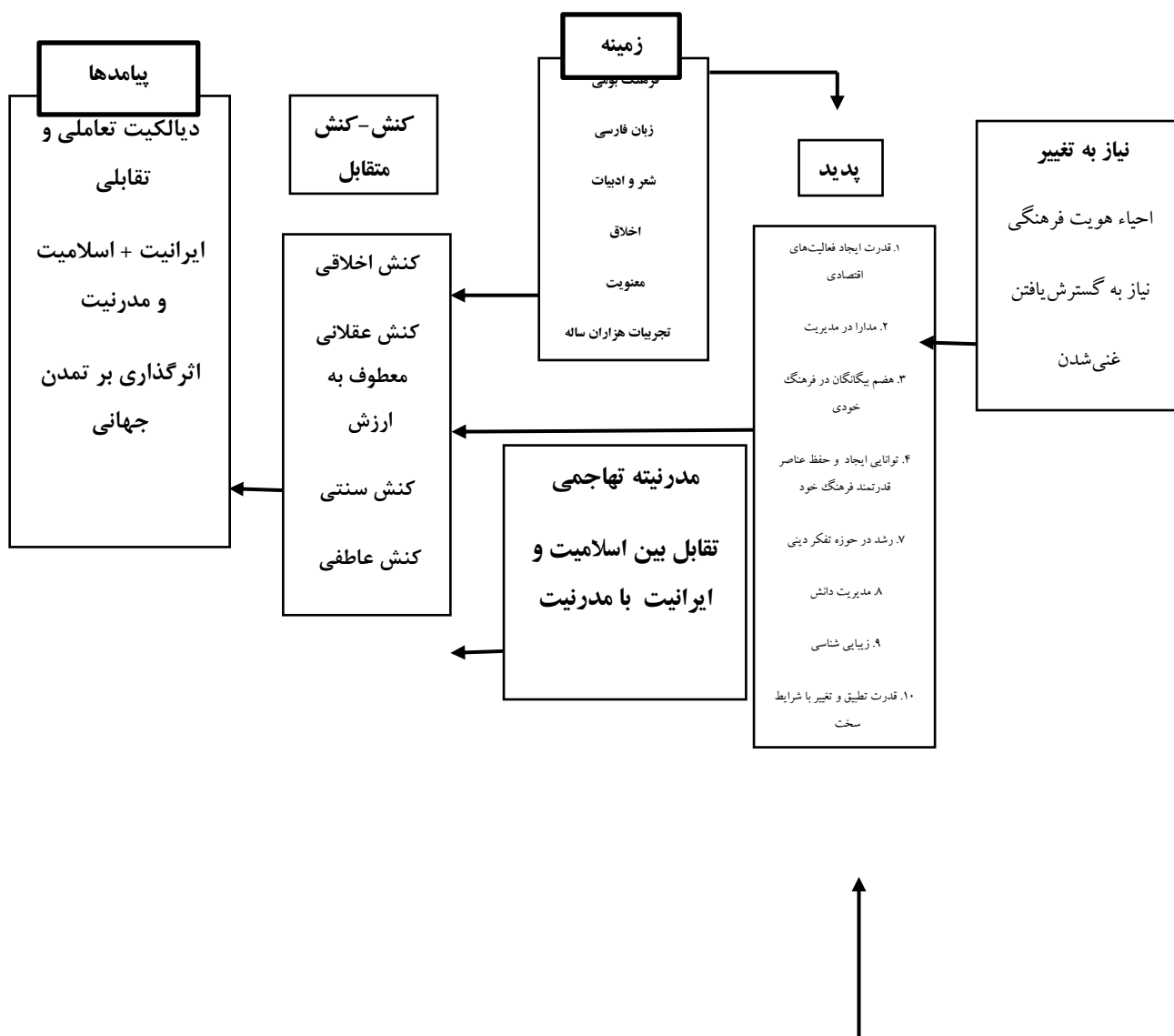
۳- یکی از دلایل افول فرهنگ ایرانی در دوره جدید عدم شناخت و آگاهی نسبت به فرهنگ خودی و اصیل است. در واقع نسل متولدین دهه ۱۳۷۰ به بعد، از منظر نخبگان چندان با فرهنگ خودی آشنا نیستند. بر این مبنا عدم شناخت به تضعیف لایه‌های درونی فرهنگ منجر شده است.

۴- نکته مهم در اولویت‌بخشی دولت به اجزای سه‌گانه فرهنگ است. در واقع دو بخش از این اجزاء؛ یعنی فرهنگ ایرانی و فرهنگ دینی اجزای درونی و فرهنگ غرب جزو بیرونی و وارداتی این فرهنگ به حساب می‌آید. حال در شکل‌گیری این پازل دولت‌ها باید به هر سه وجه این فرهنگ توجه کنند. این توجه باعث می‌شود که ایرانی‌ها بدانند که در کدام نقاط دارای قوت و در کدام نقاط دارای ضعف هستند. در دوره قبل از انقلاب اسلامی بیشتر بر عنصر ایرانیت توجه شد و در دوران بعد از انقلاب



اسلامی بیشتر بر عنصر اسلامیت توجه شده است. بر این مبنای ایران نتوانسته در تداوم نقشی که در دوران باستان در جهان ایفاء می‌کرده، راه خود را ادامه دهد. در اینجا لازم است که دولت‌ها به نقش همگرای سه‌وجهی توجه لازم را داشته باشند.

۵- به نظر می‌رسد که عناصری مثل اخلاق مدارا، توجه به جهاد درون، صبوری، پذیرش تغییرات بخش جدایی‌ناپذیر اخلاق ایرانی است که در دموکراسی و فرهنگ مدرن نقش دارد. بنابراین، شناسایی عناصری که در شکل‌دهی مدرنیته نقش داشته می‌تواند راه ایران را برای توسعه در هزاره سوم مشخص‌تر کند.





نمودار ۱- مدل پارادایمی اثر فرهنگ ایرانی در تمدن جهان

منابع:

- ۱- احمدی پور، زهرا و حیدری، طمهورث و لشگری، احسان (۱۳۸۹)، جهانی شدن و هویت ایرانی، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، جلد ۱۵، شماره هجدهم .
- ۲- استراوس، انسلم و کرین، جولیت (۱۳۹۲)، مبانی پژوهش کیفی، فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای، ترجمه ابراهیم افشار، تهران: نشر نی.
- ۳- بنی سلیم، محمد (۱۳۸۷)، جلوه‌های پیوستگی در تمدن و فرهنگ ایران، فصلنامه تخصصی فقه و تاریخ تمدن، سال چهارم، شماره پانزدهم، ص ۲۸-۹ .
- ۴- جویباری، یوسف و محمدی فر، نجات (۱۳۹۰)، فرهنگ و تمدنی ایرانی و جهانی شدن؛ فرصت‌ها و چالش‌ها، مجله مطالعات جامعه‌شناسی، دوره چهارم، شماره ۱۲، ص ۲۳-۳۸ .
- ۵- رحمتی، ان‌شالله (۱۳۹۴) هنر و معنویت، تهران: فرهنگستان هنر.
- ۶- صدیقی، عبدالحسین (۱۳۶۲)، تفسیر تاریخ، ترجمه حداد صالحی، تهران: نشر فرهنگ اسلامی .
- ۷- گیوریان، حسن و ذاکری، معصومه (۱۳۹۲) جهانی شدن و ارتباطات فرهنگی، مجله مطالعات رسانه‌ای، سال هشتم، شماره بیست و سوم.
- ۸- مرادی، صمد (۱۳۸۹)، فرهنگ و هنر ایرانی از سمرقند و بخارا؛ تهران: انتشارات فرهنگ سبز .
- ۹- مفتخری، حسین (۱۳۹۲)، ایران و اسلام؛ هویت ایرانی، میراث اسلامی، جستارهای تاریخی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال چهارم، شماره دوم، پاییز و زمستان، ص ۹۳-۱۱۱ .
- ۱۰- ناظری، مهرداد (۱۳۹۶)، جامعه‌شناسی نخبه‌پروری، چاپ دوم، تهران: نشر علم .
- ۱۱- ناظری، مهرداد (۱۳۹۴)، مدرنیته ایرانی با نگاهی به فیلم جدایی نادر از سیمین، تهران: نشر سورنا .
- ۱۲- نیرنوری، عبدالحمید (۱۳۷۹)، سهم ایران در تمدن جهانی، تهران: انتشارات فردوس
- ۱۳- هانتینگتون، ساموئل بی (۱۳۷۸) برخورد تمدن‌ها و بازسازی نظم نوین جهانی، ترجمه محمدعلی رفیعی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی

14- Frye, Richard (2000), The Golden Age of Persia, Publisher: Phoenix; New edition.

15- Golkarian, Ghadir (2019), Globalization and Its Impacts on Iranian Culture, Universal Journal of History and Culture, Vol. 1, No. 1, 1-11.

16- Rosenbaum, David & Elizabeth, A. M. (2016), Applying Grounded Theory to Investigating Change Management in the Nonprofit Sector,

Arch

4th International Conference on Language, Literature, History and Civilization

Avicenna International Community College LLC CINU

COMSTEC Inter-Islamic Network on Virtual Universities
Avicenna International Community College LLC

Holding time: September 15, 2020
Tbilisi - Georgia

Article first published online ,Volume: 6 issue: 4.